



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۴-۳۹

بررسی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی از دیدگاه برنامه کمیگی^۱

زینب همایونی^۱، رضوان متولیان نایینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

چکیده

پژوهش حاضر به چگونگی اشتقاق ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی در چارچوب برنامه زایشی کمینه‌گرا می‌پردازد. در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی بخش دوم یک ترکیب اضافی و یا متمم حرف اضافه برای خوانش‌های کاربردی ویژه، به جای قرار گرفتن در جایگاه اصلی خود، در آغاز بند قرار می‌گیرد و جایگاه اصلی آن را در جمله الزاماً یک ضمیر واژه‌بستی پُر می‌کند. در بررسی این ساخت در زبان‌های مختلف، پژوهشگران همواره می‌کوشند به این پرسش پاسخ دهند که آیا در این ساخت، سازه آغازین از ابتدا در جایگاه نهایی خود تولید شده است یا این جایگاه حاصل حرکت است. پژوهش حاضر با تکیه بر آرای لی (Lee, 2016) نشان می‌دهد که جایگاه آغازین ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی محصول حرکت غیر موضوع سازه چپ‌نشانی است و دلیل اجبار استفاده از واژه‌بست در این ساخت بر مبنای دیدگاه اسکوبار (Escobar, 1997) عبور سازه چپ‌نشانی از یک جایگاه موضوع در مسیر حرکت غیر موضوع خود به آغاز بند است. بر مبنای این تحلیل، واژه‌بست موجود در این ساخت در نتیجه بازبینی موضعی مشخصه فای سازه آغازین توسط هسته مطابقت به ساخت افزوده می‌شود.

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.41854.2231

^۲ دانشجوی دکتری رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ z.homayouni@fgn.ui.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ (نویسنده مسئول) r.motavallian@fgn.ui.ac.ir

واژه‌های کلیدی: چپ‌نشانی واژه‌بستی، حرکت غیر موضوع، جزایر نحوی، ارتباط

نحوی، گروه مطابقه

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر به بررسی ساختی از زبان فارسی می‌پردازیم که در آن، بخش دوم یک ترکیب اضافی و یا متمم یک گروه حرف اضافه به جای قرار گرفتن در جایگاه بی‌نشان خود در جمله، در آغاز بند می‌آید و در جایگاه اصلی آن ضمیر متصلی هم‌نمایه قرار می‌گیرد. جمله‌های (۱) و (۲) نمونه‌هایی از ساخت مورد نظر است.

۱. رضا برادرش رشته پزشکی می‌خونه.

۲. سیما روندا ازش حرف شنوی داره.

فرایند تولید این ساخت که در گونه گفتاری زبان فارسی بسیار زایا است، در ادبیات پژوهش این زبان اغلب با نام فک اضافه معرفی شده است (Sadeghi, 1970؛ Darzi, 2006؛ Tafakori, 2011). ولی دبیرمقدم (Dabir Moghddam, 1990 and 2004) با اشاره به این مطلب که این فرایند افزون بر بخش دوم ترکیب اضافه می‌تواند متمم حرف اضافه را نیز در ابتدای بند قرار دهد، اصطلاح مبتداساز ضمیرگذار را عنوان مناسب‌تری برای این ساخت می‌داند. کریمی (Karimi, 2005) و قمشی (Ghomeshi, 1997) این ساخت را با عنوان مقیدکننده‌ی واژه‌بست^۱ و معزی‌پور (Moezzi pour, 2019) آن را با نام چپ‌نشانی مورد بررسی قرار داده‌اند. این ساخت یکی از گونه‌های مختلف ساخت چپ‌نشانی^۲ است که به سبب اجبار بهره‌گیری از واژه‌بست در آن، در پژوهش حاضر به پیروی از چینکوئه (Cinque, 1990) آن را با نام چپ‌نشانی واژه‌بستی^۳ مورد بررسی قرار می‌دهیم. ضمیر متصل موجود در این ساخت در پژوهش‌های زبان فارسی با نام‌های مختلف ضمیرهای تکراری (Rasekh Mahand, 2008)، ضمیرهای بازیافتی (Zahedi et al, 2012) و ضمیرهای ابقایی (Mowlaei, 2021) اغلب در مقایسه با ضمیرهای متصل موجود در ساخت موصولی زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگران در بررسی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان‌های مختلف همواره کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که آیا جایگاه نهایی سازه آغازین در این ساخت مانند ساخت

¹ clitic binder

^۲ اگرچه رسم‌الخط زبان فارسی از راست به چپ است، در این پژوهش برای هماهنگی با مطالعات انجام‌شده در دیگر زبان‌ها، شیوه‌ی آوانگاری زبان را در نظر گرفته و از عنوان چپ‌نشانی برای ساخت مورد نظر بهره برده‌ایم.

³ Clitic Left Dislocation

مبتداسازی^۱ فرآورده حرکت است یا اینکه سازه در جایگاه نهایی خود تولید شده و در اصطلاح مشتق در پایه^۲ است. در راستای پاسخ به این پرسش، میزان ارتباط نحوی موجود بین سازه آغازین و واژه‌بست در این ساخت و همچنین میزان حساسیت این ساخت به جزایر نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش‌ها ماهیت واژه‌بست موجود در این ساخت، چگونگی ورود آن به ساخت و همچنین سبب اجبار بهره‌گیری از آن نیز مورد توجه پژوهشگران است. در این بررسی‌ها همواره این پرسش مطرح بوده‌است که آیا ماهیت این واژه‌بست نحوی است یا آوایی؛ به بیان دیگر این واژه‌بست در سطح صورت آوایی و برای جلوگیری از در هم شکستن آن به ساخت افزوده می‌شود و یا عنصری است که در مراحل اشتقاق نحوی به ساخت وارد می‌شود.

با وجود اینکه تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی انجام پذیرفته است، هنوز پژوهشگران در مورد چگونگی اشتقاق آن هم‌نظر نیستند. دلیل این امر را می‌توان ویژگی‌های دوگانه این ساخت دانست؛ به این معنا که اگرچه ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی دارای ویژگی‌های مشترکی با ساخت‌هایی است که مشخصاً فرآورده حرکت α هستند، در برخی از ویژگی‌ها با چنین ساخت‌هایی در تضاد است. برای نمونه، اگرچه این ساخت به جزایر قوی نحوی حساس است، تاثیر WCO^3 یا حساسیت به جزایر ضعیف نحوی را نشان نمی‌دهد. لی (Lee, 2016) با باور داشتن به دو نوع متفاوت حرکت غیر موضوع که در بخش‌های پیش رو به آن خواهیم پرداخت، اختلاف ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی با دیگر ساخت‌های حاصل حرکت را ناشی از این تفاوت می‌داند. در ادامه پژوهش حاضر در چارچوب فرضیات لی چگونگی اشتقاق ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی را در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در پژوهش‌هایی که پیش‌تر در مورد ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی انجام پذیرفته است، زبان‌شناسانی همچون دبیرمقدم (Dabir Moghddam, 1990)، درزی (Darzi, 2006)، درزی و مرزبان (Darzi & Marzban, 2014) و بسیاری دیگر اغلب در میانه مطالعه مسائل دیگری از زبان فارسی به این ساخت به طور مختصر اشاره کرده‌اند و بنابراین تاکنون تحلیلی یکپارچه از این ساخت ارائه نشده‌است که بر مبنای آن بتوان چپ‌نشانی واژه‌بستی را از درون گروه‌های نحوی با نقش‌های دستوری مختلف فاعل، مفعول صریح و مفعول غیر صریح تبیین کرد. در پژوهش حاضر با بررسی ویژگی‌های نحوی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا جایگاه آغازین در این ساخت حاصل حرکت است یا حاصل

¹ Topicalization

² base-generated

³ Weak Cross Over

اشتقاق در پایه گروه نحوی موجود در جایگاه آغازین. در این بررسی همه جایگاه‌های نحوی که چپ‌نشانی از درون آن‌ها امکان‌پذیر است و همچنین ماهیت و چگونگی حضور واژه‌بست موجود در این ساخت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این راستا با توجه به دیدگاه‌های پژوهشگرانی همچون اسکوبار (Escobar, 1997) و لی (Lee, 2016) این فرضیه را در مورد داده‌های زبان فارسی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم که جایگاه سازه چپ‌نشان در این زبان حاصل حرکت است و واژه‌بست موجود در این ساخت در مراحل اشتقاق نحوی تولید می‌شود.

به منظور این بررسی، پژوهش حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. بخش دوم مروری بر پژوهش‌های انجام‌پذیرفته در زمینه ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی است. بخش سوم چارچوب نظری پژوهش حاضر را شرح داده است. بخش چهارم بدنه اصلی پژوهش حاضر یعنی توصیف ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی است و بخش پنجم جمع‌بندی مطالب ارائه شده در این پژوهش است.

۲. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی

دبیرمقدم (Dabir Moghaddam, 1990) این ساخت را با نام مبتداساز ضمیرگذار، معادل ساخت چپ‌نشانی زبان انگلیسی می‌داند. وی فرایند مبتداسازی را در زبان فارسی با نام مبتداساز ضمیرناگذار معرفی کرده و برای این دو فرایند تفاوتی جز حضور یا عدم حضور ضمیر قائل نیست و هر دو را فرایند واحد مبتداسازی می‌انگارند. بر خلاف دیدگاه دبیرمقدم، درزی (Darzi, 2006) بر این باور است که «ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی حاصل جابه‌جایی نیست و ضمیر متصل موجود در این ساخت، تظاهر آوایی ردّ به جا مانده از حرکت یک فرافکن اسمی نیست.» از دید درزی در چنین ساخت‌هایی حضور واژه‌بست الزامی است و جایگزینی آن با ضمیر منفصل، منجر به بدساختی می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیرد که این ساخت در فارسی قابل مقایسه با ساخت چپ‌نشانی در زبان انگلیسی نیست، بلکه می‌توان ساخت چپ‌نشانی در فارسی را معادل ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان ایتالیایی دانست.

قمشی (Ghameshi, 1997) هم‌رأی با درزی (Darzi, 2006)، بر این باور است که در ساخت‌های چپ‌نشانی جایگاه گروه حرف تعریف هم‌نمایه با ضمیر متصل، فرآورده جابه‌جایی نیست، بلکه این گروه‌ها به عنوان مبتدای سطح گروه فعلی در جایگاه افزوده به گروه فعلی تولید می‌شوند.

اشاره کردیم که درزی (Darzi, 2006) قائل به حرکت سازه چپ‌نشان نیست؛ ولی وی در

پژوهش‌های پسین خود دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ساخت چپ‌نشانی ارائه داده است. برای نمونه، درزی و مرزبان (Darzi & Marzban, 2014) در بررسی پدیدهٔ انجماد در زبان فارسی، در چارچوب برنامهٔ کمینه‌گرا به بررسی خروج یک سازه از درون گروه‌های حرف تعریف فاعلی پرداخته‌اند. خروج از درون گروه‌های حرف تعریف فاعلی که برای بازمینی مشخصهٔ اصل فرافکن گسترده جابه‌جا شده و یک حوزهٔ بازمینی را تشکیل داده‌اند امکان‌پذیر نیست؛ ولی بر مبنای دیدگاه بوئکس (Boeckx, 2008) زبان‌های مختلف برای پرهیز از انجماد سازهٔ حرکت کرده، راهکارهای خاصی را به کار می‌برند. درزی و مرزبان (Darzi & Marzban, 2014) نشان می‌دهند راهکار زبان فارسی برای ممانعت از انجماد گروه حرف تعریف فاعل درج ضمیر تکراری است. این رویکرد بر خلاف رویکردی است که واژه‌بست را در ساخت چپ‌نشانی، ردّ واژگانی شدهٔ سازهٔ حرکت کرده می‌داند. در این رویکرد، برای تحلیل ساخت چپ‌نشانی از درون فاعل، به پیروی از بوئکس واژه‌بست در جایگاه روستاختی خود به همراه مرجع خود به صورت یک «گروه حرف تعریف بزرگ» تولید می‌شود، واژه‌بست در آن جایگاه باقی می‌ماند و مرجع واژه‌بست به ابتدای بند حرکت می‌کند.

در بخش‌های پیش رو به ایرادات وارد بر فرضیهٔ «گروه حرف تعریف بزرگ» به نقل از لی (Lee, 2016) اشاره کرده و برای تحلیل ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی رویکردی جایگزین معرفی خواهیم کرد.

بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینهٔ ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی که به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد، نشان می‌دهد که در پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد این ساخت انجام پذیرفته است، اتفاق نظری بر سر حاصل حرکت یا مشتق‌درپایه بودن سازهٔ آغازین در این جمله‌ها و همچنین ماهیت واژه‌بست موجود در این ساخت وجود ندارد. در پژوهش حاضر این ساخت را از زاویه‌ای جدید مورد بررسی قرار می‌دهیم و بر مبنای دیدگاه اسکوبار (Escobar, 1997) و لی (Lee, 2016) آن را حاصل حرکت غیر موضوعی سازهٔ چپ‌نشانی با گذر از یک جایگاه موضوعی می‌دانیم.

۳. چارچوب نظری

لی (Lee, 2016) در راستای بررسی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان اسپانیولی، نشان می‌دهد که این ساخت دربردارندهٔ ویژگی‌های ترکیبی است؛ به این معنا که بخشی از آن مانند ویژگی‌های ساخت‌های حاصل حرکت و بخشی از آن مانند ویژگی‌های ساخت‌های مشتق‌درپایه است. برای

نمونه در چپ‌نشانی واژه‌بستی بین سازه آغازین و ادامه بند ارتباط نحوی برقرار است؛ همچنین این ساخت به جزایر قوی نحوی حساس است؛ ویژگی‌هایی که از آن همه ساخت‌هایی است که فرآورده حرکت غیر موضوع هستند. در مقابل اینکه در این ساخت می‌توان بیش از یک سازه را چپ‌نشان کرد و همچنین عدم حساسیت این ساخت به جزایر ضعیف نحوی سبب می‌شود که حرکت سازه آغازین در این ساخت مورد تردید قرار گیرد.

لی در راستای مقایسه این ساخت با دیگر ساخت‌هایی که در آن‌ها حرکت غیر موضوع رخ می‌دهد (مانند پیش‌اندازی کانون جمله و یا حرکت پرسش‌واژه)، به معرفی دو نوع متفاوت حرکت غیر موضوع کمی^۱ و حرکت غیر موضوع غیر کمی^۲ می‌پردازد. وی بررسی دوبروی-سورین (Dobrovie-Sorin, 1990) را به‌عنوان شاهدهی بر وجود این دو نوع حرکت نحوی متفاوت ارائه می‌دهد. دوبروی-سورین برای بررسی این دو نوع حرکت غیر موضوع، به معرفی دو نوع کمیت‌نما با نام‌های کمیت‌نمای تنها^۳ و کمیت‌نمای همراه^۴ در زبان رومانیایی می‌پردازد. دامنه کمیت‌نمای تنها (مانند پرسش‌واژه whom در زبان انگلیسی) همه جمله است و به‌عنوان یک عملگر^۵، متغیر^۶ خود را مقید می‌کند. کمیت‌نمای تنها که طی حرکت آن رابطه عملگر-متغیر برقرار می‌شود، مصداق حرکت غیر موضوع کمی است. در مقابل، کمیت‌نمای همراه (مانند پرسش‌واژه «which» در زبان انگلیسی) مانند یک صفت درون یک گروه اسمی است که دامنه آن به همان گروه اسمی محدود می‌شود و این کل گروه اسمی است که ضمیر هم‌نمایه را مقید می‌کند. در نتیجه، نمی‌توان در دومی که نمونه‌ای از حرکت غیر موضوع غیر کمی است رابطه عملگر-متغیر متصور شد. بر مبنای دیدگاه ریتزی (Rizzi, 1997) فقط ساخت‌های حاصل حرکت غیر موضوع کمی به جزایر ضعیف نحوی حساس هستند و ساخت‌های حاصل حرکت غیر موضوع غیر کمی تأثیر WCO را نشان نمی‌دهند. بر مبنای این تحلیل می‌توان ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی را حاصل حرکت غیر موضوع غیر کمی دانست که در آن بین سازه آغازین و عنصر جایگزین رابطه عملگر-متغیر برقرار نیست و به همین سبب، این ساخت برخلاف دیگر ساخت‌های فرآورده حرکت غیر موضوع، به جزایر ضعیف نحوی حساس نیست. با در نظر گرفتن این رویکرد همه ویژگی‌های نحوی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی را نیز می‌توان به‌درستی تبیین کرد.

¹ quantificational A'-movement

² non-quantificational A'-movement

³ bare quantifiers

⁴ non-bare quantifiers

⁵ operator

⁶ variable

برای تبیین واژه‌بست موجود در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی، بوئکس (Boeckx, 2008) به دو رویکرد سنتی اشاره می‌کند: در رویکرد اول که رویکرد افرادی چون چامسکی (Chomsky, 1977) است، در چنین ساخت‌هایی هیچ نوع حرکتی را در نظر نمی‌گیرند و واژه‌بست و مرجع آن هر دو مشتق‌در پایه هستند. ایراد اصلی که به این رویکرد وارد است عدم تبیین حساسیت این ساخت‌ها به جزایر نحوی است. دومین رویکرد، جایگاه‌نهایی مرجع واژه‌بست را حاصل حرکت و واژه‌بست را رد واژگانی‌شده آن می‌داند. این رویکرد که رویکرد افرادی چون پزتسکی (Pesetsky, 1998) است، تلویحاً تأثیر جزایر نحوی را پدیده‌ای در سطح آوایی می‌داند. در این رویکرد محدودیت‌های آوایی سبب می‌شود که رونوشت عنصر حرکت کرده تلفظ شود؛ بنابراین این رویکرد بازنمون واژه‌بست را پدیده‌ای نحوی نمی‌داند. بوئکس با در نظر گرفتن کاستی‌های این رویکردهای سنتی، ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی را با ترکیب این دو رویکرد، با نام «گروه حرف تعریف بزرگ» تحلیل کرده‌است. از دید وی این گونه نیست که واژه‌بست در سطح آوایی و برای جلوگیری از در هم شکستن آن تولید شود، بلکه این ضمیر از ابتدای مراحل اشتقاق در ساخت حضور دارد؛ به این صورت که واژه‌بست به همراه مرجع خود به‌عنوان یک گروه حرف تعریف بزرگ در ساخت ادغام و در مراحل بعدی اشتقاق با حرکت مرجع، از یک‌دیگر جدا می‌شوند. در این رویکرد واژه‌بست در پیوستن با مرجع خود به ساخت وارد می‌شود و سپس مرجع واژه‌بست به ابتدای بند حرکت می‌کند.

از دید لی (Lee, 2016) ایرادهایی بر فرضیه «گروه حرف تعریف بزرگ» وارد است. به باور لی این فرضیه افزون بر اینکه به نظر می‌رسد شرطی موقت در چارچوب‌های نظری است، همه واژه‌بست‌ها را بدون در نظر گرفتن تمایزات معنایی و کاربردی آن‌ها در ساخت‌های مختلف، به‌صورت یکسان تحلیل می‌کند. ولی لی نشان می‌دهد که در زبانی مانند اسپانیولی، بسته به نوع ساخت، واژه‌بست در نقش‌های کاربردی متفاوتی نمایان می‌شود و همه واژه‌بست‌ها ماهیت معنایی و کاربردی یکسانی ندارند که بتوان همه آن‌ها را با یک روش تحلیل کرد. بنابراین لی برای تبیین حضور واژه‌بست در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی به پیروی از اسکوبار (Escobar, 1997) این ساخت را حاصل حرکت غیر موضوعی می‌داند که در پی یک حرکت موضوع رخ می‌دهد. بر مبنای این دیدگاه، حرکت غیر موضوعی گروه حرف تعریف و گذر آن از یک جایگاه موضوع منجر به پیدایش واژه‌بست می‌شود. اسکوبار بر این باور است که حرکت صریح یک گروه نحوی ارجاعی از مسیر شاخص AgrP سبب پیدایش یک واژه‌بست می‌شود. وی جایگاه شاخص AgrP را محل گذر عبارات ارجاعی می‌داند که در حال حرکت غیر موضوع به آغاز بند هستند. بر مبنای

دیدگاه اسکوبار (Escobar, 1997, p. 252) اگر ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی را حاصل حرکت سازه‌آغازین بدانیم، همسو با دیدگاه پژوهشگرانی همچون اسپورتیچ (Sportiche, 1992) و فرانکو (Franco, 1993)، نقش واژه‌بست در آن فقط صرفی است. واژه‌بست در این ساخت بازنمون مشخصه‌های فای سازه‌ای است که از مسیر شاخص $Agri^0$ حرکت صریح دارد (Cinque, 1994). در صورت نبود حرکت سازه، این مشخصه‌ها به صورت غیر موضعی بازبینی شده و واژه‌بستی نیز تولید نمی‌شود. اسکوبار بر این باور است عبور صریح عنصری از جایگاه شاخص AgrP به منظوری غیر از بازبینی مشخصه‌ای، فقط به صورت بازنمون یک واژه‌بست امکان‌پذیر است. از همین رو زبان‌هایی چون زبان انگلیسی فاقد ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی هستند. در تحلیل اسکوبار، توجه به این نکته ضروری است که اگر حرکت از فراز شاخص AgrP حرکتی موضعی باشد و به منظور بازبینی مشخصه‌ای انجام پذیرد، در این جایگاه واژه‌بستی بازنمون نمی‌شود و بازنمونی واژه‌بست در شاخص AgrP فقط در صورتی الزامی می‌شود که حرکت از فراز این جایگاه حرکتی غیر موضوع باشد. در ادامه، با این رویکرد به تحلیل ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی می‌پردازیم.

۴. ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی

با بررسی ویژگی‌های نحوی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی می‌توان به این پرسش پاسخ داد که سازه‌آغازین در این ساخت در جایگاه نهایی تولید شده‌است و یا اینکه حاصل حرکت است؛ و اینکه اگر جایگاه آغازین در این ساخت حاصل حرکت است، این حرکت از چه نوعی است. در این راستا، میزان ارتباط نحوی سازه‌آغازین را با ادامه‌بند مورد بررسی قرار داده و سپس حساسیت این ساخت را به جزایر قوی و ضعیف نحوی بررسی می‌کنیم.

زبان‌شناسانی همچون چینکوئه (Cinque, 1990) در زبان ایتالیایی و وات (Vat, 1981) در زبان هلندی ارتباط نحوی عنصر چپ‌نشان با بند مربوطه را از به‌وسیله‌بازسازی^۱ نشان داده‌اند. چینکوئه مفهوم بازسازی در ساخت‌های چپ‌نشانی را چنین تعریف می‌کند که گروه نحوی چپ‌نشان در روابط گوناگون نحوی و منطقی به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی در جایگاه اصلی خود در بند و به‌جای عنصر جایگزین قرار دارد. وی بازسازی را در ساخت چپ‌نشانی از منظر اصول مرجع‌گزینی بررسی کرده‌است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که سازه‌آغازین در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان ایتالیایی از طریق بازسازی در صورت منطقی تعبیر می‌شود. بررسی داده‌های زبان فارسی نمایانگر آن است که سازه‌آغازین در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی

¹ reconstruction

این زبان نیز در صورت منطقی از طریق بازسازی تعبیر می‌شود. تفکری رضایی (Tafakori Rezaei, 2011) بدساختی جمله (۳) را به سبب نقض اصل سوم مرجع‌گزینی می‌داند. بر مبنای این تحلیل، عبارت ماشین علی در صورت منطقی، در جایگاه اصلی خود در جمله، یعنی به جای واژه‌بست «ش» بازسازی می‌شود و در این جایگاه «علی» توسط ضمیر «او» مقید می‌شود و بنابراین اصل سوم مرجع‌گزینی نقض و جمله بدساخت می‌شود. تفکری رضایی (همان) معتقد است اگر عنصر چپ‌نشان را مشتق‌شده در جایگاه نهایی در خارج از بند در نظر بگیریم، توضیح بدساختی این جمله ناممکن می‌شود.

۳. * [ماشین علی]؛ زرو او؛ کلیدش زرو پیدا کرد.

تفکری رضایی از اصل اول مرجع‌گزینی نیز به عنوان استدلال دیگری برای اثبات وجود ارتباط نحوی میان سازه چپ‌نشان و عنصر جایگزین در بند بهره می‌برد. بر مبنای اصل اول مرجع‌گزینی ضمائر ارجاعی شامل ضمائر انعکاسی و ضمائر دوسویه باید در حوزه حاکمیت کمینه خود مقید باشند. در نمونه (۴) اگرچه ضمیر دوسویه «همدیگه» در حوزه سازه‌فرمانی «آن‌ها» قرار ندارد، جمله خوش‌ساخت است. خوش‌ساختی این جمله نشان می‌دهد که تعبیر این ضمیر دوسویه از طریق بازسازی در صورت منطقی و به سبب وجود ارتباط نحوی میان سازه چپ‌نشان و ادامه بند انجام می‌پذیرد.

۴. [کتاب‌های همدیگه]؛ زرو آنها؛ جلدشون زرو پاره کردند.

ویژگی دیگری که پژوهشگران از آن برای اثبات حرکت در ساختی بهره می‌برند، محدودیت حساسیت به جزایر نحوی است. ساخت جزیره‌ای ساختی است که برای سازه‌های درون آن هیچ راه خروجی وجود ندارد. پهلوان‌نژاد (Pahlavannejad, 2008) نشان می‌دهد که در فارسی نیز خروج از جزایر قوی نحوی چون گروه‌های اسمی مرکب و ساخت‌های هم‌پایه مجاز نیست. مثال‌های (۵) و (۶) نشان می‌دهد که چپ‌نشانی واژه‌بستی نیز از درون گروه‌های اسمی مرکب و ساخت‌های هم‌پایه مجاز نیست و منجر به نادرستی شدن جمله می‌شود؛ مطلبی که فرضیه حرکت عنصر چپ‌نشان به آغاز بند را تقویت می‌کند.

۵. الف) من [این ادعا که فرهاد برادر رضا رو کشته] باور نمی‌کنم.

ب) * رضا؛ رو من [این ادعا که فرهاد برادرش؛ رو کشته] باور نمی‌کنم.

۶. الف) علی تو کلاس بین فرهاد و برادر رضا نشسته بود.

ب) * رضا؛ رو علی تو کلاس بین فرهاد و برادرش؛ نشسته بود.

کوپمن و اسپورتیچ (Koopman & Sportiche, 1983) به نقل از لس‌نیک و استول

(Lasnik & Stowell, 1991, p. 691) به اصلی در زمینه حرکت غیر موضوع اشاره می‌کنند که بر مبنای آن هر عملگر تنها می‌تواند یک متغیر را مقید کند و هر متغیر فقط باید توسط یک عملگر مقید شود. لس‌نیک و استوول (Lasnik & Stowell, 1991, p. 690) این مطلب را به شیوه دیگری بیان کرده‌اند؛ بر مبنای دیدگاه آن‌ها در ساختاری که در آن یک ضمیر و یک رد، هر دو توسط یک کمیت‌نما مقید می‌شوند، لازم است رد بر ضمیر سازه‌فرمانی داشته باشد. این اصول باید در ساختارهایی که در آن‌ها حرکت غیر موضوع رخ می‌دهد (مانند حرکت پرسش‌واژه در زبان انگلیسی)، رعایت شود که به آن تأثیر WCO می‌گویند. بدساختی نمونه (۷) به سبب تأثیر WCO است.

7. *Who_i does his_i boss dislike t_i?

در نمونه (۷) ضمیر his و رد، هر دو توسط کمیت‌نمای who مقید شده‌اند؛ در این شرایط، بر مبنای اصل لس‌نیک و استوول (۱۹۹۱) عدم سازه‌فرمانی رد بر ضمیر موجب بدساختی جمله شده‌است. ولی ساختارهایی وجود دارد که مانند نمونه (۸) با وجود رخداد حرکت غیر موضوع، تأثیر WCO در آن‌ها موجب بدساختی جمله نمی‌شود.

8. This book_i I expect its_i auther to buy e_i.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جمله (۸) با وجود سرپیچی از اصول مورد اشاره خوش ساخت است. لس‌نیک و استوول (Lasnik & Stowell, 1991, p. 692) خوش ساختی چنین جمله‌هایی را به این دلیل می‌دانند که اصول مربوط به تأثیر WCO فقط در مواردی به کار می‌رود که در آن متغیر به وسیله یک کمیت‌نمای واقعی^۱ مقید شده باشد؛ در غیر این صورت، رد، یک متغیر واقعی^۲ به شمار نمی‌آید، بلکه به نوعی یک مقوله تهی است که در مورد روابط مرجع‌گزینی مانند اسم‌های خاص رفتار می‌کند. ریتزی (Rizzi, 1997) نیز تأثیر WCO، یا به بیان دیگر حساسیت به جزایر ضعیف نحوی را فقط مختص حرکت غیر موضوعی می‌داند که در آن سازه آغازین و عنصر جایگزین آن در بند با هم زنجیره عملگر-متغیر را تشکیل دهند.

داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در این زبان به محدودیت جزایر ضعیف نحوی حساس نیست؛ یا به بیان دیگر این ساخت تأثیر WCO را نشان نمی‌دهد؛ به این معنا که در این ساخت، سازه چپ‌نشان می‌تواند از ضمیری هم‌نمایه با خود گذر کند. نمونه (۹) این مطلب را نشان می‌دهد.

۹. زهرا رو باباش پیش اجازه نداد بیاد.

¹ true quantifier

² true variable

در این نمونه، عنصر آغازین از جایگاه اصلی خود یعنی متمم حرف اضافه حرکت کرده، از فراز ضمیر هم‌نمایه‌اش گذر کرده و در آغاز بند قرار گرفته‌است. در این جمله که سازهٔ چپ‌نشان هم‌ضمیر و هم‌واژه‌بست جایگزینش را مقید کرده‌است، اگر سازهٔ چپ‌نشان یک کمیت‌نمای واقعی و واژه‌بست جایگزین آن یک متغیر واقعی بود، بر مبنای اصل لس‌نیک و استوول، تأثیر WCO موجب بدساختی آن می‌شد. پس می‌توان نتیجه گرفت که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی بین سازهٔ آغازین و عنصر جایگزین آن در بند رابطهٔ عملگر-متغیر برقرار نیست. بنابراین عدم تأثیر WCO نمی‌تواند فرضیهٔ حرکتی بودن این ساخت را به چالش بکشد. همچنین این ویژگی که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی مانند نمونهٔ (۱۰) می‌توان بیش از یک سازه را چپ‌نشان کرد نیز بر مبنای ذیدگاه لی (Lee, 2016) نشان‌دهندهٔ این است که در این ساخت بین سازهٔ آغازین و عنصر جایگزین آن در بند رابطهٔ عملگر-متغیر وجود ندارد.

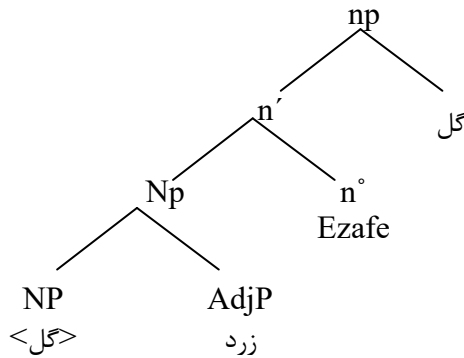
۱۰. بچه رو پیرهنش رو دکمه‌ش رو بدوز. (Dabir Moghaddam, 1990, p. 102)

با توجه به ویژگی‌های نحوی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی که در این بخش به آن پرداختیم، به پیروی از لی (Lee, 2016) این ساخت را حاصل حرکت غیر موضوع غیر کمی می‌دانیم.

از آنجایی که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی از درون گروه حرف تعریف، سازهٔ چپ‌نشان اغلب مالک (مضاف‌الیه) است، برای تحلیل این ساخت، ابتدا نگاهی به ساختار درونی ساخت ملکی زبان فارسی خواهیم انداخت. چینکوئه (Cinque, 2010) به نقل از کهنمویی‌پور (Kahnemuyipour, 2014, p. 14) بر این باور است که آرایش اجزای تشکیل‌دهندهٔ گروه اسمی به صورت جهانی هسته-پایان است. بر مبنای این نظر همهٔ توصیف‌کننده‌های اسم از جمله صفت‌ها و مالک در نمودار درختی گروه حرف تعریف، بالاتر از گروه اسمی هسته قرار دارند. برخلاف پژوهشگرانی چون حیدری و همکاران (Heydari et al., 2015, p. 47) که گروه اسمی زبان فارسی را هسته-آغاز می‌دانند، کهنمویی‌پور (Kahnemuyipour, 2014) بر این باور است که گروه اسمی زبان فارسی نیز هسته-پایان است و ساختار نهایی این گروه نحوی با حرکت گردونه‌ای^۱ هسته از طریق شاخص گروه‌های نحوی میانی AgrP به دست می‌آید. بر مبنای این تحلیل ابتدا گروه اسمی بدون نمایش کسرهٔ اضافه و به صورت هسته-پایان در ساخت ادغام می‌شود و سپس هستهٔ گروه اسمی با حرکت گردونه‌ای به سمت فرافکن مطابقه حرکت می‌کند که تظاهر کسرهٔ اضافه نتیجهٔ این حرکت گردونه‌ای است. یادگار کریمی (Karimi, 2007) هم در توصیف

¹ roll up movement

گروه حرف تعریف زبان کردی، گروه حرف تعریف را هسته-پایان در نظر می‌گیرد. وی نیز بر این باور است که هسته پس از ادغام در ساخت به شاخص یک گروه نقشی بر فراز گروه اسمی حرکت می‌کند. به باور وی هسته این گروه نقشی به وسیله کسره اضافه پر شده است. نامی که یادگار کریمی برای این گروه نقشی انتخاب کرده است در مقایسه با گروه فعلی کوچک بر فراز گروه فعلی، NP است. به عنوان نمونه، برای اشتقاق گروه اسمی «گلِ زرد»، ابتدا دو فرافکن بیشینه «گل» و «زرد» در اتصال با هم، گروه اسمی NP را تشکیل می‌دهند. در مرحله بعد n^0 با NP ادغام شده و NP را تشکیل می‌دهد. هسته n^0 که حاوی مشخصه EPP است، موجب حرکت گروه اسمی گل به شاخص NP می‌شود و بر مبنای نمودار شکل (۱) ترتیب واژگانی نهایی به دست می‌آید.

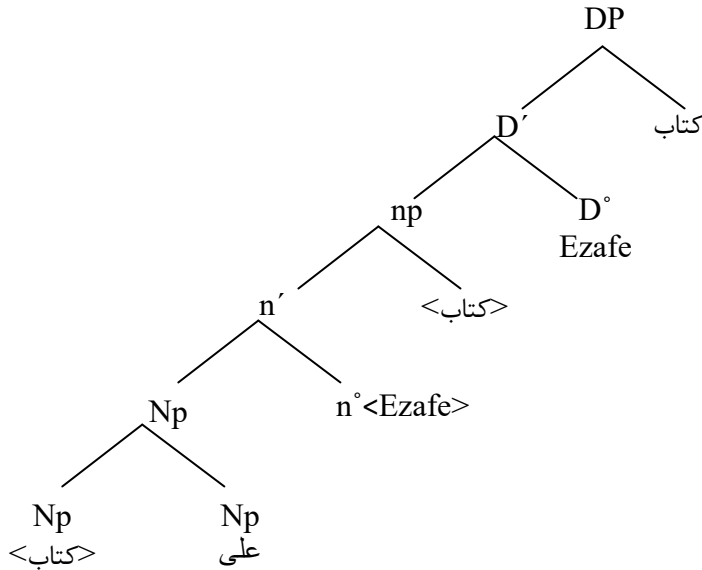


شکل ۱: ساختار گروه اسمی هسته-پایان «گل زرد»

یادگار کریمی بر این باور است که در ساخت‌های ملکی نیز تا این مرحله از اشتقاق به همین شکل انجام می‌پذیرد؛ ولی تفاوتی که در ساخت ملکی وجود دارد الزام‌بازینی مشخصه حالت ملکی^۱ مالک است که با فرافکن شدن DP بر فراز NP ممکن می‌شود. نمودار شکل (۲) اشتقاق ساخت ملکی «کتاب علی» را نشان می‌دهد. همان‌گونه که روشن است هسته n^0 مانع از بازینی حالت ملکی به وسیله هسته D^0 است. راه حل یادگار کریمی برای این مسئله حرکت هسته به هسته کسره اضافه از n^0 به D^0 است. با این حرکت ترکیب این دو هسته از طریق زنجیره‌ای که با حرکت n^0 به D^0 ایجاد می‌شود، مشخصه حالت مالک را بازینی می‌کند. افزون بر مشخصه حالت، D

^۱ genitive case

مشخصه تعبیرناپذیر EPP نیز دارد که می‌بایست با حرکت یک گروه اسمی به شاخص آن بازیینی شود. نزدیک‌ترین گروه اسمی که می‌تواند این بازیینی را انجام دهد گروه اسمی مملوک (در این مثال کتاب) است که به شاخص DP حرکت می‌کند و در نهایت ترتیب واژگانی قابل قبول در زبان فارسی را به دست می‌دهد.



شکل ۲: نمودار ساخت ملکی «کتاب علی»

با این شرح گزیده در مورد ساخت ملکی در زبان فارسی، چپ‌نشان شدن مالک را از درون گروه حرف تعریف در چارچوب رویکرد لی (Lee, 2016) و اسکوبار (Escobar, 1997) تحلیل می‌کنیم. اشاره کردیم که اسکوبار بر این باور است که ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی حاصل حرکت غیر موضوع سازه‌ای است که در مسیر خود از یک جایگاه موضوع گذر کرده باشد. به باور اسکوبار (1997, p. 269) اگر سازه‌ای در حرکت غیر موضوع خود برای منظوری غیر از بازیینی مشخصه‌ای، از یک جایگاه موضوع گذر کند، این حرکت تنها در صورت بازنمون یک واژه‌بست امکان‌پذیر است. بنابراین حضور اجباری واژه‌بست در چنین ساختی به باور وی به دلیل گذر از همین جایگاه موضوع است. وی این جایگاه میانی را AgrP می‌نامد. همان گونه که گفتیم یادگار کریمی معتقد به حضور جایگاه میانی با عنوان np درون گروه حرف تعریف است و کهنمویی پور نیز آن را AgrP می‌داند. نکته این است که با هر عنوانی، این پژوهشگران معتقد به وجود گروه‌های نحوی میانی در ساخت گروه حرف تعریف هستند. بنابراین اگر بخواهیم در نمودار (۲) مالک یا «علی» را چپ‌نشان کنیم، این گروه اسمی برای خروج از گروه حرف تعریف،

ابتدا می‌بایست به شاخص گروه AgrP (یا nP) که پس از حرکت گردونه‌ای هسته از فراز آن اکنون خالی است حرکت کند. گذر از این جایگاه با بازبینی مشخصه‌فای آن توسط Agr^o همراه است که چون با حرکت صریح همراه بوده‌است، تنها با بازنمون شدن یک واژه‌بست امکان‌پذیر است. سازه پس از گذر از این جایگاه به منظور خوانش کاربردی مبتدا و یا کانون به جایگاه نهایی خود یعنی شاخص گروه نحوی TopP و یا FocP حرکت می‌کند. نکته بسیار مهم در تحلیل اسکوبار این است که در صورتی واژه‌بست در شاخص AgrP ظهور می‌کند که حرکت سازه از فراز این جایگاه حرکت موضوعی نباشد و به همین سبب است که در ایجاد ساخت ملکی زبان فارسی، حرکت گردونه‌ای هسته از این جایگاه که حرکتی موضوعی است، به تولید واژه‌بست منجر نمی‌شود؛ در مقابل به هنگام چپ‌نشانی مالک از درون ساخت ملکی، چون حرکت غیر موضوعی است، گذر از شاخص AgrP الزاماً منجر به تولید واژه‌بست می‌شود.

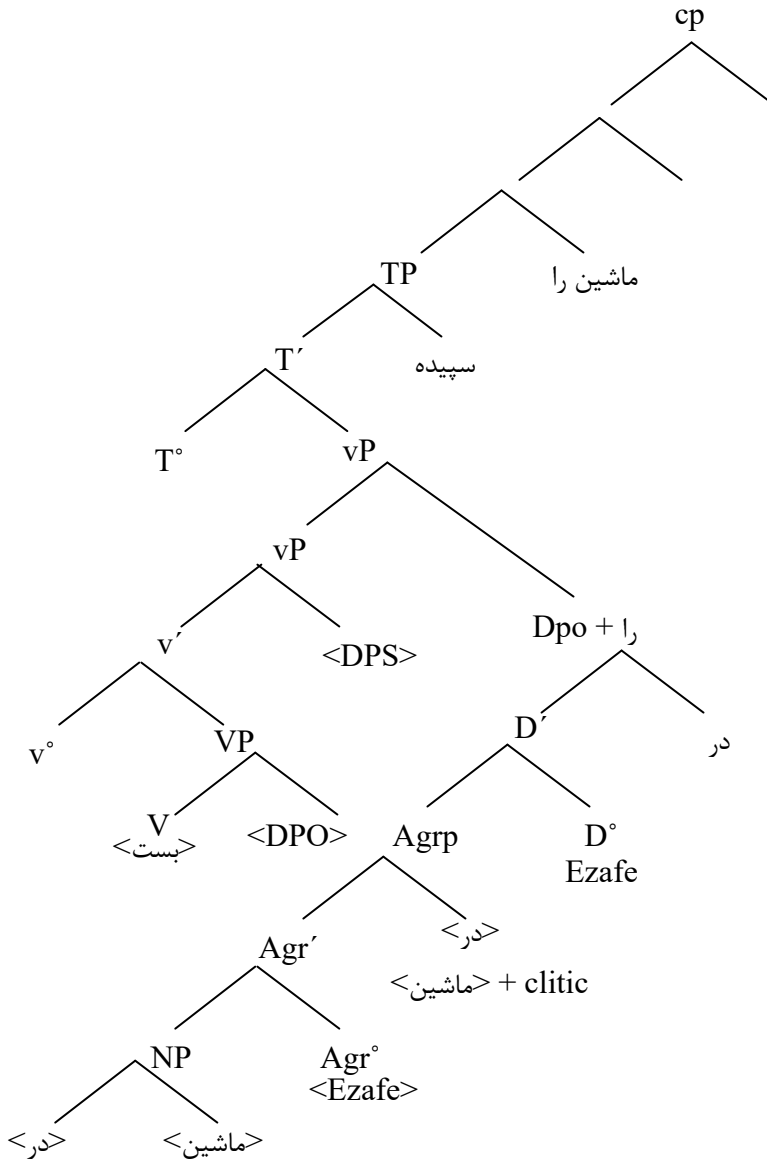
در ادامه، به فرایند چپ‌نشانی از درون ساخت ملکی با نقش‌های نحوی متفاوت می‌پردازیم. به این منظور ابتدا چپ‌نشانی از درون مفعول صریح را مورد بررسی قرار می‌دهیم. داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن مبحث‌های کاربردشناختی، چپ‌نشانی تنها از درون مفعول‌های رایج امکان‌پذیر است. بر مبنای دیدگاه انوشه (Anushe, 2021) مفعول‌های رایج در اولین مرحله از اشتقاق جمله، با فعل ادغام می‌شوند و سپس طی فرایند فراگشت مفعول^۱ به شاخص ثانویه گروه فعلی کوچک حرکت کرده و در آن جایگاه با بازبینی مشخصه حالت غیر فاعلی به وسیله فعل کوچک، را-نشان می‌شوند. لازم به گفتن است که چپ‌نشانی از درون مفعول، پس از این مرحله انجام می‌پذیرد. همراهی سازه چپ‌نشان با عنصر «را» شاهدهی است بر این ادعا؛ زیرا پس از خروج سازه چپ‌نشان از درون مفعول، این عنصر با عنصر باقی‌مانده در گروه حرف تعریف، حالتی یکسان دارد. یکسانی حالت عنصر چپ‌نشان و سازه باقی‌مانده را به پیروی از اسدی مفرح و درزی (Asadimofarah & Darzi, 2019) ناشی از فرایند زیرخروج^۲ می‌دانیم. در نتیجه فرایند زیرخروج، عنصر خارج‌شده از درون گروه حرف تعریف، رای دریافت‌شده را در سطح آوایی با خود حمل می‌کند.

شکل (۳) چگونگی اشتقاق ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی نمونه (۱۱) را که در آن چپ‌نشانی از درون مفعول صریح صورت پذیرفته نشان می‌دهد.

۱۱. ماشین را سپیده درش را بست.

¹ object shift

² subextraction



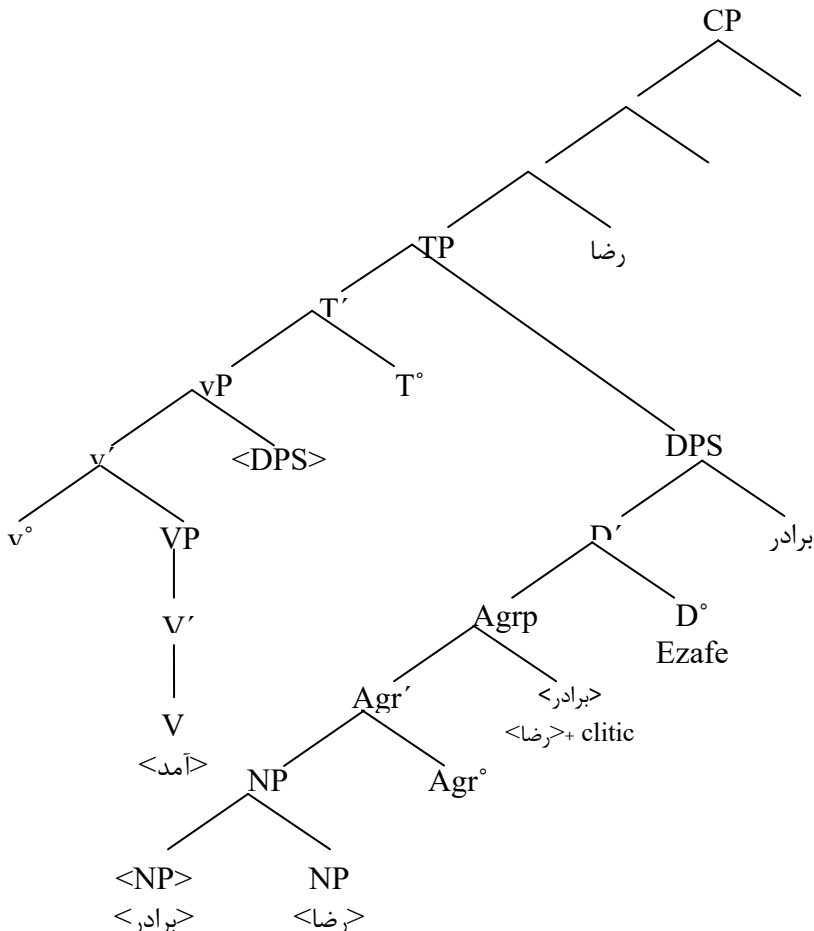
شکل ۳: اشتقاق نحوی جمله (۱۱) با رویکرد «گذر حرکت غیر موضوع از جایگاه موضوع»

در جمله (۱۱) ترکیب اضافی «در ماشین» ابتدا با حرکت گردونه‌ای هسته گروه اسمی یعنی «در» از مسیر شاخص AgrP به شاخص Dp به دست می‌آید. از آنجایی که گذر هسته گروه اسمی از شاخص AgrP برای بازبینی مشخصه EPP هسته D^0 است، این حرکت منجر به درج واژه‌بست نمی‌شود. پس از این مرحله، مملوک یعنی «ماشین» برای چپ‌نشان شدن از فراز شاخص

AgrP می‌گذرد و چون این سازه در حرکت غیر موضوع خود از این جایگاه می‌گذرد، درج واژه‌بست الزامی می‌شود.

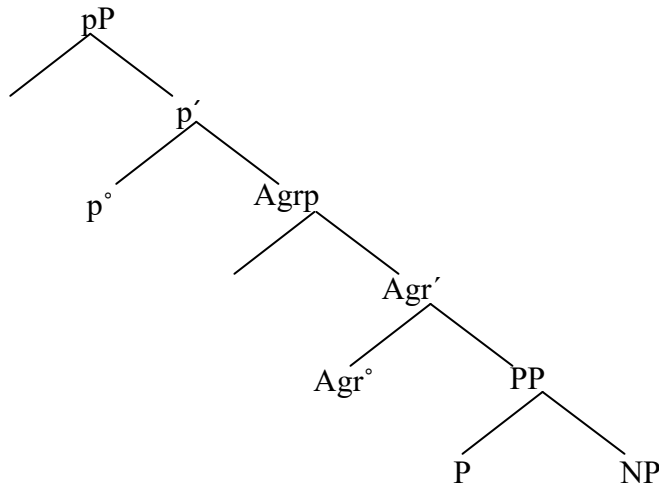
در تحلیل ساخت چپ‌نشانی از درون فاعل نیز همین مراحل انجام می‌پذیرد؛ با این تفاوت که بر مبنای نمودار شکل (۴) که مراحل اشتقاق مثال (۱۲) را نشان می‌دهد، گروه حرف تعریف فاعل پس از تولید در شاخص گروه فعلی کوچک، بر مبنای دیدگاه پژوهشگرانی چون انوشه (Anushe, 2010) برای بازبینی مشخصه حالت فاعلی و مشخصه EPP هسته گروه زمان، به شاخص این گروه نحوی حرکت می‌کند. بازبینی مشخصه حالت فاعلی در این جایگاه توسط T فاقد جوهر آوایی است؛ بنابراین عنصر خارج شده از درون گروه حرف تعریف فاعل بر خلاف عنصر خارج شده از مفعول با «را» همراه نمی‌شود.

۱۲. رضا برادرش آمد.



شکل ۴: اشتقاق نحوی جمله (۱۲) با رویکرد «گذر حرکت غیر موضوع از جایگاه موضوع»

اکنون باید دید چه نشانی متمم حرف اضافه را چطور می‌توان با این رویکرد توصیف کرد. سیتکو (Citko, 2014, p. 137-150) نشان می‌دهد که بدون توجه به نقشی یا واژگانی بودن حروف اضافه، این گروه‌های نحوی تحت تسلط گروه نقشی حرف اضافه کوچک هستند (در قیاس با گروه فعلی کوچک). کوپمن (Koopman, 2000) برای تبیین پارامتر Pstranding که در تعداد اندکی از زبان‌ها رخ می‌دهد و طی آن متمم حرف اضافه می‌تواند برای خوانش‌های کاربردی ویژه به تنهایی در آغاز بند واقع شود، نشان می‌دهد که گروه حرف اضافه بزرگ حرکتی اجباری به شاخص گروه حرف اضافه کوچک دارد. در زبان‌های Pstranding به باور کوپمن پیش از این حرکت و در نتیجه منجمد شدن PP در شاخص pP، متمم حرف اضافه به شاخص گروه میانی AgrP می‌رود و از آن‌جا مسیر خود را به آغاز بند ادامه می‌دهد. مدل پیشنهادی کوپمن (Koopman, 2000, p. 14) برای گروه حرف اضافه به صورت نمودار شکل (۵) است که در آن حرکتی اجباری به شاخص pP دارد.



شکل ۵: مدل پیشنهادی کوپمن (Koopman, 2000) برای گروه حرف اضافه

ویژگی‌های ساختاری گروه حرف اضافه در زبان فارسی، نیاز به بررسی ویژه‌ای دارد که در این جستار نمی‌گنجد، ولی اگر با توجه به بررسی این گروه نحوی در دیگر زبان‌ها، برای گروه حرف اضافه زبان فارسی نیز معتقد به ساختاری مشابه با نمودار (۵) باشیم، در تحلیل ساخت چه نشانی واژه‌بستی، پیش از حرکت PP به شاخص p^0 ، گروه اسمی متمم برای حرکت به آغاز بند، از شاخص AgrP گذر می‌کند که بر مبنای دیدگاه اسکوبار (Escobar, 1997) چون حرکت از این مسیر حرکتی غیر موضوع است، درج یک واژه‌بست در این جایگاه الزامی می‌شود.

در اشتقاق نحوی هر جا صحبت از حرکت سازه‌ای می‌شود، مسیر حرکت نیز مورد توجه است. یکی از نظریه‌های مطرح در برنامه کمینه‌گرا که مسیر حرکت سازه‌های زبانی را مشخص می‌کند، نظریه فازها است. بر مبنای این نظریه، تنها راه خارج کردن یک عنصر از حوزه یک فاز برای شرکت دادن آن در مراحل بعدی فرایند اشتقاق، حرکت دادن آن عنصر به لبه (شاخص اولیه یا ثانویه) آن فاز است. چامسکی (Chomsky, 2001) نشان می‌دهد که گروه فعلی کوچک فاز است؛ بنابراین اگر جایگاه نهایی گروه حرف اضافه مانند مثال (۱۳) درون گروه فعلی کوچک باشد، متمم در مسیر حرکت خود به ابتدای بند، پس از گذر از شاخص AgrP باید به لبه گروه فعلی کوچک برود و سپس مسیر خود را به آغاز بند ادامه دهد. در نتیجه گذر از لبه گروه فعلی کوچک، سازه چپ‌نشان با «را» همراه می‌شود. رفسنجانی‌نژاد و دبیرمقدم (Rafsanjani Nejad & Dabir Moghaddam, 2018) نیز همراهی سازه چپ‌نشان از درون گروه حرف اضافه با «را» را به دلیل عبور آن از لبه گروه فعلی کوچک می‌دانند.

۱۳. بچه رو ندا بهش غذا نداد.

در مقابل، اگر جایگاه گروه حرف اضافه درون گروه فعلی کوچک نباشد، برای نمونه مانند مثال (۱۴) بخشی از فاعل جمله باشد، سازه چپ‌نشان به دلیل عدم حرکت از لبه گروه فعلی کوچک، با «را» همراه نمی‌شود.

۱۴. این فروشگاه خرید ازش خیلی پول می‌خواد.

بر مبنای توضیح‌های ارائه‌شده، در چارچوب فرضیه افرادی چون اسکوبار و لی مبنی بر حرکت غیر موضوع سازه چپ‌نشان که در مسیر خود از یک جایگاه موضوع گذر کرده‌است می‌توان تحلیلی یکپارچه از ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی ارائه داد. برتری این فرضیه نسبت به فرضیه «گروه حرف تعریف بزرگ» را می‌توان کمینه‌بودن و در نتیجه اقتصادی‌تر بودن مراحل اشتقاق این ساخت دانست؛ زیرا در فرضیه «گروه حرف تعریف بزرگ» افزون بر اجبار در باور داشتن به حرکت گروه نحوی، پیش از چپ‌نشانی سازه‌ای از درون آن، اتصال واژه‌بست با سازه، در اولین مرحله ورود به ساخت نیز مرحله‌ای اضافه در این فرضیه است که مهم‌ترین ایرادش از دید لی، تحلیل همه واژه‌بست‌ها به صورت یکسان است. در مقابل، در تحلیل ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در چارچوب فرضیه «حرکت غیر موضوع با گذر از یک جایگاه موضوع» نیاز نیست به مرحله‌ای اضافه در اشتقاق ساخت معتقد باشیم؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد پژوهشگران باور به وجود گروه‌های نقشی میانی در گروه‌های نحوی است که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی گذر از شاخص همین گروه‌های میانی منجر به تولید واژه‌بست می‌شود. در چارچوب‌های کمینه‌گرا

تحلیلی اقتصادی تر است که در آن اشتقاق از مرحله‌های کمتری به دست آید.

۵. جمع بندی

در این پژوهش با بررسی ساختار نحوی ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی، کوشیدیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا جایگاه آغازین در این ساخت حاصل اشتقاق در پایه سازه چپ‌نشان است یا حاصل حرکت آن به آغاز بند. در این راستا، میزان ارتباط نحوی سازه آغازین با بند مربوطه و همچنین میزان حساسیت این ساخت به جزایر قوی و ضعیف نحوی را مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به اینکه بین سازه آغازین و ادامه بند از منظر بازسازی در صورت منطقی ارتباط نحوی قوی برقرار است و همچنین با توجه به اینکه این ساخت به جزایر قوی نحوی حساس است، نتیجه گرفتیم که این ساخت حاصل حرکت غیر موضوع سازه چپ‌نشان به آغاز بند است. ولی اینکه ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی برخلاف ساخت‌های شاخص حاصل حرکت غیر موضوع، به جزایر ضعیف نحوی حساس نیست یا به بیانی این ساخت تأثیر WCO را نشان نمی‌دهد، بر مبنای دیدگاه لی (Lee, 2016) به این سبب است که حرکت سازه آغازین در آن از نوع حرکت غیر موضوع غیر کمی است که در آن بین سازه حرکت کرده و عنصر جایگزین آن در بند رابطه عملگر-متغیر برقرار نیست.

در این پژوهش همسو با دیدگاه اسکوبار (Escobar, 1997)، اجبار استفاده از واژه‌بست در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی را به سبب گذر سازه چپ‌نشان از جایگاه موضوعی شاخص هسته مطابقت، در مسیر حرکت غیرموضوع خود به آغاز بند دانستیم. با این رویکرد، واژه‌بست موجود در این ساخت، فقط یک واژه‌بست ضمیری برای جلوگیری از در هم شکستن صورت آوایی نیست، بلکه عنصری است که در جریان اشتقاق نحوی و در اثر بازیابی موضعی مشخصه‌های فای سازه توسط هسته مطابقت به ساخت افزوده می‌شود.

فهرست منابع

اسدی‌مفرح، طیبه و علی درزی (۱۳۹۸). «گروه حرف تعریف شکافته در زبان فارسی _ رویکردی کمینه‌گر». *پژوهش‌های زبانی*. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۴۲-۲۴.

<https://doi.org/10.22059/jolr.2020.281064.666505>

انوشه، مزدک (۱۳۸۹). «رویکردی مشخصه‌بنیاد به فرایندهای مبتداسازی و تاکید در زبان فارسی».

پژوهش‌های زبانی. سال ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۱. https://jolr.ut.ac.ir/article_21386.html

انوشه، مزدک (۱۴۰۰). *صرف در نحو از کمینه‌گرایی تا صرف توزیعی*. تهران: دانشگاه تهران.

<https://ketab.ir/book/cc69a166-2afa-44a3-8b03-5f486eaa90fc>

پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۷). ساخت‌های جزیره‌ای در زبان فارسی. *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*. شماره ۱۹. صص ۶۹-۵۹.

<https://ensani.ir/file/download/article/20120426164324-5161-3.pdf>

تفکری رضایی، شجاع (۱۳۹۰). «حرکت در فک اضافه در زبان فارسی». ارائه‌شده در همایش علمی سالانه دانشگاه رازی. ۱۹ آذر ۱۳۹۰. دانشگاه رازی. کرمانشاه. <https://civilica.com/doc/288591>

حیدری، عبدالحسین، مهدی سمائی، لطیف عطاری و افسر روحی (۱۳۹۴). «رمزگردانی دوزبانه‌های ترکی آذری فارسی در پرتو مدل زبان ماتریس و نظریه صفر». *زبان‌پژوهی*. دوره ۷. شماره ۱۶.

<https://doi.org/10.22051/jlr.2015.2089>. صص ۵۷-۳۳.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹). «پیرامون «را» در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*. سال ۷. شماره ۱. صص ۲-۶۰.

<https://www.sid.ir/paper/431030/fa>

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). «زبان فارسی و نظریه‌های زبانی: در جستجوی چارچوبی برای تدوین دستور جامع زبان فارسی». دستور. شماره ۱. صص ۹۳-۱۲۹. <https://www.sid.ir/paper/455147/fa>

درزی، علی (۱۳۸۵). «ضرورت تمایز میان فرایند ارتقا و مبتداسازی در زبان فارسی». دستور. جلد ۲. شماره ۱. صص ۱۶۱-۱۸۷.

<https://ensani.ir/file/download/article/20130623091947-9821-9.pdf>

درزی، علی و زهرا مرزبان (۱۳۹۳). «پدیده انجماد و جایگاه فاعل در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۶. شماره ۱. صص ۳۴-۱۷.

https://jrl.ui.ac.ir/article_17259_380d2e699ba14836567ae6dcf442c644.pdf

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۷). «ضمایر تکراری در زبان فارسی». دستور. دوره ۴. شماره ۱۰. صص ۱۸۳-۱۸۹.

<https://ensani.ir/file/download/article/20130623092004-9821-19.pdf>

رفسنجانی‌نژاد، سعید و محمد دبیرمقدم (۱۳۹۸). «نظریه گام و کوتاه‌ترین فاصله‌ی میان دو نقطه». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۱۱. شماره ۱. صص ۶۰-۴۹.

<https://doi.org/10.22108/JRL.2018.112291.1236>

زاهدی، کیوان، محمد خلیقی، زهرا ابوالحسنی چیمه و ارسلان گل‌فام (۱۳۹۱). «ضمایر بازیافتی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. دوره ۳. شماره ۳. صص ۱۲۱-۱۰۱.

<https://www.sid.ir/paper/166031/fa>

صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). «را» در زبان فارسی امروز». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. شماره ۹۳. صص ۲۲-۹.

<https://perlit.tabrizu.ac.ir/>

معزی‌پور، فرهاد (۱۳۹۸). «بحثی در باب چپ‌نشانی فارسی و چالش‌های نظری آن برای دستور نقش و ارجاع». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. دوره ۱۱. شماره ۲. صص ۶۴-۴۵.

<https://doi.org/10.22108/JRL.2019.115388.1308>

مولایی کوهبنانی، حامد (۱۴۰۰). «بررسی رده‌شناختی ضمیر ابقایی در ساخت موصولی فارسی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. سال ۱۳. شماره ۴. صص ۱۳۹-۱۱۳.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2021.70621.1033>

References

- Anushe. M. (2010). Topicalization and focus movement in Persian, a feature-based approach. *Journal of Language Research*, 1(1), 1-28.
https://jolr.ut.ac.ir/article_21386.html [In Persian]
- Anushe. M. (2021). *Morphology in Syntax; From Minimalist Program to Distributed Morphology*. Tehran: Tehran University Press.
<https://ketab.ir/book/cc69a166-2afa-44a3-8b03-5f486caa90fc> [In Persian]
- Asadimofarah. T., & Darzi, A. (2019). Split DP in Persian – a minimalist approach. *Journal of Language Research*, 10(2), 24-42.
<https://doi.org/10.22059/jolr.2020.281064.666505> [In Persian]
- Boeckx, T. C. (2008). *Understanding Minimalist Syntax: Lessons from Locality in Long-distance Dependencies*. Malden, MA: Blackwell.
<https://philpapers.org/rec/BOEUMS>.
- Chomsky, N. (1977). On Wh-movement. In P. Culicover, T. Wasow, A. Akmajian (Eds.). *Formal Syntax*. New York: Academic Press.
https://babel.ucsc.edu/~hank/On_WH-Movement.pdf
- Chomsky, N. (2001). Derivation by phase. In K. Hale (Ed.). *A Life in Linguistics*. 1-52. Cambridge: MIT Press.
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1839270>
- Cinque, G. (1990). *Types of \bar{A} -dependencies*. Cambridge Ma: MIT Press.
<https://mitpress.mit.edu/9780262530897/types-of-a-dependencies/>
- Cinque, G. (1994). On the evidence for partial N-movement in the Romance DP. In G. Cinque, J. Koster, J. Pollak, L. Rizzi & R. Zanuttini (Eds). *Path Towards Universal Grammar. Studies in Honour of Richard Kayne*. Georgetown University Press. Washington D.C.
<https://www.bibsonomy.org/bibtex/244e78c188a8984602575eae6b0de11bb/joostkremers>.
- Cinque, G. (2010). *The Syntax of Adjectives: a Comparative Study*. Linguistic Inquiry, Monograph 57. MIT Press: Cambridge.
<https://mitpress.mit.edu/9780262514262/the-syntax-of-adjectives/>
- DabirMoghaddam, M. (1990). About 'ra' in Persian. *Journal of Linguistics*. 7(1), 2-60. <https://www.sid.ir/paper/431030/fa> [In Persian].
- DabirMoghaddam, M. (2004). Persian language and linguistic theories: in search of a framework for compiling a comprehensive Persian language grammar. *Syntax*. 1, 93-129. <https://www.sid.ir/paper/455147/fa> [In Persian]
- Darzi, A. (2006). The need to distinguish between the process of raising and topicalization in the Persian language. *Syntax*, 2(1), 161-187. Retrieved from [In Persian].
<https://ensani.ir/file/download/article/20130623091947-9821-9.pdf>.
- Darzi, A., & Marzban, Z. (2014). Freezing effects and canonical subject position in Persian. *Research in Linguistics*, 6(1), 17-34. Retrieved from https://jrl.ui.ac.ir/article_17259_380d2e699ba14836567ae6dcf442c644.pdf [In Persian].
- Dobrovie-Sorin, C. (1990). Clitic doubling, wh-movement, and quantification in Romanian. *Linguistic Inquiry*, 21, 351-397. URL: Retrieved from <[https://sfb1252.unikoeln.de/sites/sfb_1252/user_upload/Pdfs_Publikationen/Heusinger Tiga_u_2019_Clitic_doubling_Differential.pdf](https://sfb1252.unikoeln.de/sites/sfb_1252/user_upload/Pdfs_Publikationen/Heusinger_Tiga_u_2019_Clitic_doubling_Differential.pdf)>
- Escobar, L. (1997). Clitic Left Dislocation and other relatives. In E. Anagnostopoulou, H. Riemsdijk & F. Zwart, (Eds.). *Materials on Left*

- Dislocation*. Amsterdam: John Benjamin. (pp. 233-274).
<https://doi.org/10.1075/la.14.13esc>
- Franco, J. (1993). On Object Agreement in Spanish. (PhD Dissertation). Department of Spanish and Portuguese. USC. Log Angeles.
- Ghomeshi, J. (1997). Topics in Persian VPs. *Lingua*, 102, 133-167.
[https://doi.org/10.1016/S0024-3841\(97\)00005-3](https://doi.org/10.1016/S0024-3841(97)00005-3).
- Heydari, A., Samaee, M., Atari, L., & Rohi, A. (2015). Azari-Turkish/Persian bilinguals' code-switching based on matrix language frame model (MLF) and null theory. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 7(16), 33-57. <https://doi.org/10.22051/jlr.2015.2089> [In Persian]
- Kahnemuyipour, A. (2014). Revisiting the Persian Ezafe construction: A roll-up movement analysis. *Lingua*. 150, 1-24.
<https://doi.org/10.1016/j.lingua.2014.07.012>.
- Karimi, S. (2005). *A Minimalist Approach to Scrambling Evidence from Persian*. Berlin: Mouton. <https://doi.org/10.1515/9783110199796>
- Karimi, Y. (2007). Kurdish Ezafe construction: Implications for DP structure. *Lingua*, 117, 2159-2177. <https://doi.org/10.1016/j.lingua.2007.02.010>.
- Koopman, H. (2000). Prepositions, postpositions, circum-positions, and particles. In Koopman, H. (Ed.). *The Syntax of Specifiers and Heads*. 204-260. London: Routledge. Retrieved from
<https://linguistics.ucla.edu/people/koopman/papers/PP.PDF>
- Koopman, H., Sportiche, D. (1983). Variables and the bijection principle. *The Linguistic Review*, 2, 139-160. Retrieved from
<https://www.semanticscholar.org/paper/VARIABLES-AND-THE-BIJECTION-PRINCIPLE-Koopman-Sportiche/e68454454c4cf398bf10a926a5cead1c48499904>.
- Lasnik, H., & Stowell, T. (1991). Weakest Crossover. *Linguistic Inquiry*, 22, 687-720. Retrieved from <<http://www.jstor.org/stable/4178746>>
- Lee, M. (2016). Spanish Clitic Left Dislocation as a non-quantificational A'movement. *Language Research*, 52(2) 283-310. Retrieved from <<https://hdl.handle.net/10371/97058>>
- Moezzi Pour, F. (2019). A remark on Persian left-dislocation and the related challenges for role and reference. *Journal of Researches in Linguistics*, 11(2), 45-64. <https://doi.org/10.22108/JRL.2019.115388.1308> [In Persian]
- Mowlaei Kohbanani, H. (2021). Typological study of resumptive pronouns in Persian relative clause. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, 4 (24), 113-139. <https://doi.org/10.22067/jlkd.2021.70621.1033>. [In Persian]
- Pahlavannejad, M. (2008). Island Structures in Persian language. *Persian Literature Quarterly*, 19, 59-69. Retrieved from <<https://ensani.ir/file/download/article/20120426164324-5161-3.pdf>> [In Persian]
- Pesetsky, D. (1998). Some optimality principles of sentence pronunciation. In P. Barbosa, D. Fox, M. McGinnis & D. Pesetsky (Eds.). *Is the Best Good Enough? Optimality and Competition in Syntax*. (pp. 83-337). Cambridge, MA: MIT Press. <https://doi.org/doi:10.7282/T3F47MGW>
- Rafsanjani Nejad, S., & Dabir Moghaddam, M. (2018). Phase theory and geodesic. *Journal of Researches in Linguistics*, 11(1), 49-60.
<https://doi.org/10.22108/JRL.2018.112291.1236> [In Persian]
- Rasekh Mahand, M. (2008). Resumptive pronouns in Persian. *Syntax*, 4(10). 183-189. Retrieved from <https://ensani.ir/file/download/article/20130623092004->

[9821-19.pdf](#) [In Persian]

Rizzi, L. (1997). The fine structure of the left periphery. In L. Haegeman (ed.). *Elements of Grammar*. (pp. 281-337).

https://doi.org/10.1007/978-94-011-5420-8_7.

Sadeghi, A. (1970). Ra in today Persian. *Tabriz Faculty of Literature and Humanities*, 93, 9-22. Retrieved from <<https://perlit.tabrizu.ac.ir/>> [In Persian]

Sportiche, D. (1992). *Clitic Constructions*. Los Angeles: UCLA. Retrieved from <https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-015-8617-7_9>

Tafakori Rezaii, S. (2011). Movement in Persian Fak-e-Ezafe. *Annual Scientific Conference of Razi University*. 19 Azar. Kermanshah. Razi University. Retrieved from <<https://civilica.com/doc/288591/>> [In Persian]

Vat, J. (1981). Left Dislocation, connectedness and reconstruction. unpublished article. University of Amsterdam. Retrieved from <<https://ugp.rug.nl/GAGL/article/view/30208/27509>>

Zahedi, K., KhaliGhi, M., Abolhasani Chimeh, Z., & Golfam, A. (2012). Resumptive pronouns in Persian. *Language Related Research*, 3(3), 101-121. Retrieved from <<https://www.sid.ir/paper/166031/fa>> [In Persian]

